



تهرانبی‌عبدالحمید

ظریف، وزیر خارجه در گفت‌وگو با «ایران»:

# مأموریت دیپلماسی «پسابرجام»، تقویت اقتصاد ملی است

مریم سالاری

محمدجوادظریف‌بی‌تردیدیکی‌ازخبرسازترین‌وزرای‌کابینه‌دولت‌روحانی‌بوده‌است. دیپلماتی‌که‌به‌بمن‌آشنایی‌باچم‌وخم‌حقوق‌بین‌الملل،‌تبحر‌در‌اصول‌بازی‌در‌دایره‌قدرت‌جهان‌و‌ادب‌دیپلماتیکش‌سکندار‌بازسازی‌سیاست‌خارجی‌از‌سوی‌روحانی‌شد. مأموریتی‌که‌اگرچه‌مذاکرات‌هسته‌ای‌دشوارترین‌بخش‌آن‌به‌حساب‌می‌آمد‌اما‌بعدها‌سونامی‌حوادث‌منطقه‌و‌صف‌آبی‌دوستان‌ودشمنان‌ایران‌تحت‌تأثیر‌تنش‌هایی‌که‌بنابه‌اقتضای‌ضرورت‌های‌حاکم‌بر‌ژئوپلتیک‌منطقه‌شکل‌گرفت،‌وظایف‌سخت‌تری‌را‌پیش‌پای‌اونهاد. ظریف‌اما‌با‌حل‌پرونده‌هسته‌ای‌گام‌نخست‌را‌محکم‌برداشت‌تا‌قدم‌های‌بعدی‌اش‌را‌در‌پیگیری‌مناسبات‌با‌کشورهای‌مختلف‌جهان‌و‌همچنین‌حل‌و‌فصل‌بحران‌های‌منطقه‌ای‌که‌بی‌شک‌بدون‌نقش‌آفرینی‌ایران‌ممکن‌نبوده،‌استوارتر‌بردارد.‌با‌او‌درباره‌فرار‌و‌فرودهای‌این‌مأموریت‌دشوار‌که‌زیر‌تیغ‌تیز‌تندروی‌برخی‌جریان‌های‌خودی،‌سخت‌تر‌شد‌هم‌گفت‌و‌گو‌کردیم.‌در‌بخشی‌از‌مصاحبه،‌هنگامی‌که‌در‌باره‌مهم‌ترین‌دستاوردهای‌دیپلماسی‌دولت‌یازدهم‌صحبت‌می‌کردیم‌بلافاصله‌گفت‌که‌امید‌واقعی‌در‌جامعه‌به‌وجود‌آمده‌است‌که‌البته‌برخی‌تلاش‌می‌کنند‌این‌امید‌میان‌مردم‌رنگ‌بازد. ظریف‌در‌این‌مصاحبه‌همچنین‌گفت‌که‌وزارت‌خارجه‌نماینده‌گان‌و‌سفرا‌یش‌را‌از‌همان‌آغاز‌به‌کار‌دولت‌یازدهم‌مأمور‌کرده‌تا‌تارج‌دیپلماسی‌را‌برای‌رسیدن‌به‌هدف‌توسعه‌و‌اقتصاد‌کشور‌به‌گرددش‌در‌آورند. مأموریتی‌که‌خود‌اونیز‌برای‌رسیدن‌به‌آن‌علاوه‌بر‌تغییر‌دادن‌ذافته‌دیپلماسی‌از‌امنیت‌به‌اقتصاد‌در‌مجموعه‌تحت‌مدیریتش،‌بار‌سفر‌فرسته‌و‌بامیره‌ا‌کردن‌حیات‌های‌پروپیمان‌اقتصادی،‌نقاط‌مختلف‌از‌پنج‌قره‌جهان‌از‌آفریقا‌تا‌امریکا‌لاتین‌را‌برای‌بهره‌برداری‌اقتصادی‌کشور‌در‌عصر‌پسابرجام‌طی‌می‌کند. نگرانی‌محافل‌سیاسی‌از‌آینده‌برجام‌در‌دوره‌میراث‌دار‌اوباما‌را‌هم‌با‌ظریف‌در‌میان‌گذاشتیم‌که‌او‌با‌خنده‌چنین‌پاسخ‌داد: «توانستیم‌با‌برجام‌بهبانه‌را‌از‌دست‌امریکا‌بگیریم‌لذا‌صرف‌نظر‌از‌اینکه‌چه‌کسی‌در‌کاخ‌سفید‌نشسته،‌این‌مایعنی‌جمهوری‌اسلامی‌هستیم‌که‌با‌حمایت‌مردم‌می‌توانیم‌کار‌ما‌ن‌را‌پیش‌ببریم،‌»‌مشروح‌گفت‌و‌گو‌با‌وزیر‌خارج‌را‌بایکدی‌بگرمی‌خوانیم.

■ **برقراری‌مناسبات‌اقتصادی‌در‌روابط‌خارجی،‌یکی‌از‌مؤلفه‌های‌مهم‌برای‌پیشبرد‌اهداف‌بلند‌مدت‌رشد‌و‌توسعه‌تجاری‌کشور‌ها‌به‌حساب‌می‌آید.‌در‌همین‌خصوص‌بفرمایید‌دیپلماسی‌اقتصادی‌در‌تأمین‌منافع‌کوتاه‌مدت‌و‌بلند‌مدت‌کشور‌ما‌چه‌اهمیت‌جز‌ایگانه‌ی‌دارد؟**

از‌دیدگاه‌نظری‌دیپلماسی‌اقتصادی‌حوزه‌مقاوتی‌از‌دیپلماسی‌رسمی‌دولتی‌است‌که‌بازنگارش‌الزاما‌دولت‌ها‌نیستند. یعنی‌زمانی‌که‌دولت‌ها‌اتحصار‌بازگویی‌در‌صحنه‌بین‌المللی‌را‌از‌دست‌دادند،‌دیپلماسی‌دولتی‌هم‌اتحصار‌معدلات‌و‌مراودات‌بین‌المللی‌را‌از‌دست‌داد‌و‌انواع‌دیپلماسی‌ها‌شکل‌گرفت؛‌دیپلماسی‌اقتصادی،‌فرهنگی،‌عمومی‌و‌ارزشی. این‌مفهوم‌دیپلماسی‌از‌منظر‌دقیق‌نظری‌است‌که‌وسیعتر‌از‌مفهومی‌است‌که‌ما‌در‌ایران‌از‌دیپلماسی‌اقتصادی‌در‌نظر‌داریم. منظور‌ما‌معمولا‌از‌دیپلماسی‌اقتصادی‌این‌است‌که‌سیاست‌خارجی‌باید‌در‌خدمت‌بهبود‌معیشت‌مردم،‌پیشرفت‌و‌در‌شرایط‌کوتنی‌و‌با‌توجه‌به‌سیاستهای‌کوتنی‌ابلاغی‌رهبر‌معظم‌انقلاب‌در‌خدمت‌اقتصاد‌مقاومتی‌باشد. پیگیری‌این‌نوع‌دیپلماسی‌اقتصادی‌باید‌در‌وزارت‌خارجه‌بوده‌است‌زیرا‌گرایش‌این‌وزارت‌خانه‌از‌ابتدای‌انقلاب‌به‌دلیل‌شرایطی‌که‌در‌نتیجه‌جنگ‌تحملی،‌فشارهای‌سیاسی‌قدرت‌های‌سلطه‌گر‌و‌همچنین‌تحریم‌های‌هسته‌ای‌بر‌کشور‌تحویل‌شده‌بود،‌صرفا‌سیاسی‌و‌امنیتی‌بود‌و‌و‌پیروان‌تبحر‌و‌تخصص‌پرسل‌ن‌وزارت‌خارجه‌به‌این‌سمت‌حرکت‌کرده‌بود.

■ **یعنی‌اگر‌این‌گرایش‌بیشتر‌تحمیلی‌و‌محصول‌شرایط‌بوده‌است؟‌به‌نظر‌می‌رسد‌که‌هنوزیک‌تعریف‌منسجم‌از‌ابعادمختلف‌دیپلماسی‌اقتصادی‌در‌کشور‌ما‌شکل‌نگرفته‌است.**

بله‌تحمیل‌شرایط‌منطقه‌ای‌و‌بین‌المللی،‌توجه‌وزارت‌خارجه‌را‌به‌این‌سمت‌کشانده‌است. در‌دوره‌های‌گذشته‌مخصوصا‌در‌دوران‌اصلاحات،‌وزیر‌وقت

اشراف‌داشته‌باشد. در‌گذشته‌یک‌معاونت‌اقتصادی‌طی‌دوران‌کوتاهی‌در‌وزارت‌خارجه‌تشکیل‌شده‌بود‌که‌تجربه‌خیلی‌موفقی‌نبود‌و‌متوقف‌شده‌بود‌زیرا‌بین‌این‌حوزه‌با‌معاونت‌های‌منطقه‌ای‌وزارت‌خارجه‌که‌همه‌روابط‌با‌یک‌منطقه‌را‌عهده‌دار‌هستند،‌اختلاف‌سلیقه‌به‌وجود‌می‌آمد‌و‌حتی‌متجر‌به‌تداخل‌وظیفه‌در‌حوزه‌های‌مسئولیتی‌می‌شد. به‌همین‌دلیل‌هم‌در‌وزارت‌خارجه‌هایی‌که‌معاونت‌اقتصادی‌دارند‌عموما‌معاونت‌منطقه‌ای‌ندانند،‌بلکه‌معاونت‌ها،‌موضوعی‌است‌یعنی‌معاونت‌سیاسی،‌معاونت‌اقتصادی‌و... لذا‌ما‌تصمیم‌گرفتیم‌که‌به‌جای‌اینکه‌یک‌معاونت‌مجزای‌اقتصادی‌داشته‌باشیم‌قائم‌مقام‌وزیر‌که‌مسئولیت‌مستقیم‌نظارت‌بر‌کل‌وزارتخانه‌را‌دارد‌مسئول‌همانگی‌اقتصادی‌وزارتخانه‌نیز‌باشد. این‌گام‌اولی‌بود‌که‌در‌کنار‌بحث‌تحریم‌ها‌از‌آغاز‌مسئولیت‌بنده‌در‌وزارت‌خارجه‌برداشته‌شد. در‌همین‌راستایک‌دفتر‌ویژه‌تحت‌نظر‌قائم‌مقام‌به‌عنوان‌دفتر‌همانگی‌را‌هبردی‌اقتصادی‌ایجاد‌کردیم. اقدام‌دیگر‌ما‌تلاش‌برای‌ایجاد‌همانگی‌بین‌دستگاه‌ها‌بود. پیش‌از‌این‌یک‌ستاد‌همانگی‌روابط‌اقتصادی‌که‌مصوب‌دولت‌بود،‌در‌دوران‌وزارت‌آقای‌ولایتی‌و‌خرازی‌تشکیل‌شده‌بود‌و‌برای‌مدتها‌هم‌مسئولیتش‌بر‌عهده‌آقای‌دکتر‌واعظی‌بود. ما‌این‌ستاد‌را‌هم‌احیا‌کردیم. یعنی‌الان‌ستاد‌همانگی‌روابط‌اقتصادی‌هر‌هفته‌یک‌بار‌به‌ریاست‌قائم‌مقام‌وزیر‌خارجه‌و‌با‌حضور‌معاونین‌دستگاه‌های‌ذیربط‌از‌تحریم‌های‌سنگین‌و‌برخی‌شعرا‌هایی‌که‌مطرح‌می‌شد،‌به‌جای‌اینکه‌در‌خدمت‌توسعه‌باشد،‌هزینه‌جدی‌برای‌توسعه‌بود. یعنی‌دستگاه‌سیاست‌خارجی‌به‌دلیل‌نوع‌گرایش‌و‌برخوردی‌که‌دولت‌وقت‌در‌عرصه‌سیاست‌خارجی‌در‌پیش‌گرفته‌بود،‌حضور‌کمتری‌در‌صحنه‌بین‌المللی‌و‌توسعه‌اقتصادی‌ایران‌داشت. دولت‌یازدهم‌با‌هدف‌تغییر‌این‌قضا،‌مذاکرات‌را‌به‌طور‌جدی‌در‌دستور‌کار‌قرار‌داد. البته‌هدف‌عمده‌مذاکرات،‌برداشتن‌تحریم‌ها‌نبود،‌بلکه‌حفظ‌عزت‌کشور،‌توانمندی‌های‌فنی‌و‌لغو‌قطعنامه‌های‌شورای‌امنیت‌بود‌که‌اتفاقا‌هیچ‌کدام‌از‌تحریم‌های‌اقتصادی‌در‌آن‌قطعنامه‌ها‌نبود. یعنی‌مهم‌ترین‌موضوعات‌مطرح‌شده‌در‌قطعنامه‌های‌شورای‌امنیت،‌نامشروع‌جلوه‌دادن‌برنامه‌هسته‌ای‌ایران‌بود. هدف‌اصلی‌در‌مذاکرات‌رفع‌این‌اتهامات‌بود‌که‌در‌کنارش‌رفع‌تحریم‌ها‌به‌عنوان‌یک‌عامل‌موثر‌توانست‌راه‌را‌برای‌سیاست‌خارجی‌باز‌کند‌تا‌به‌خدمت‌توسعه‌کشور‌درآید.

■ **یعنی‌شما‌ابتداءسعی‌کردید‌آن‌شرایط‌تحمیلی‌که‌تبعات‌سیاسی‌و‌امنیتی‌هم‌به‌دنبال‌داشت‌از‌بین‌ببرید‌و‌سپس‌بر‌دیپلماسی‌اقتصادی‌توسعه‌محور‌متمرکز‌شوید؟**

کارهایمان‌در‌وزارت‌خارجه‌براساس‌تقدم‌و‌تاخر‌نبود. همزمان،‌سیاستی‌ارائه‌کردیم‌که‌یکی‌از‌مؤلفه‌های‌همیش‌رفع‌تحریم‌ها‌بود. یک‌مؤلفه‌دیگر‌ایجاد‌سازوکار‌مناسب‌در‌وزارت‌خارجه‌برای‌پیگیری‌موضوع‌اقتصادی‌بود‌که‌این‌کار‌را‌از‌طریق‌متمرکز‌کردن‌قائم‌مقام‌وزیر‌بر‌موضوع‌اقتصاد‌پیگیری‌کردیم‌تا‌او‌بتواند‌از‌این‌منظر‌بر‌کل‌مجموعه‌وزارت‌خارجه‌

باید‌کار‌اقتصادی‌در‌وزارت‌خارجه‌صورت‌بگیرد‌مبنای‌کارمان‌قرار‌گرفت. در‌جنبه‌عملیاتی‌اش‌هم‌بنده‌در‌همه‌سفرهای‌مهمی‌که‌به‌خارج‌از‌کشور‌دارم‌یک‌هات‌جدی‌از‌بخش‌خصوصی‌را‌همراه‌خود‌می‌برم. استقبال‌بخش‌خصوصی‌از‌این‌سفرها‌بسیار‌قابل‌توجه‌است. هم‌اتاق‌بازگانی‌و‌هم‌سامان‌توسعه‌صادرات‌و‌هم‌بخش‌های‌مربوطه‌در‌وزارت‌اقتصاد‌و‌هم‌بانک‌مرکزی‌در‌اکثر‌سفرهای‌ما‌حضور‌فعال‌دارد. در‌پی‌این‌تلاش‌ها‌امیدواریم‌که‌وزارت‌خارجه‌به‌وظیفه‌خود‌در‌حوزه‌اقتصاد‌مقاومتی‌بخوبی‌جامه‌عمل‌پوشاند.

■ **اشاره‌داشتیدیکی‌از‌محورهای‌اصلی‌ستاد‌اقتصادی،‌ایجاد‌همانگی‌بین‌سازمان‌ها‌و‌نهادهای‌مختلف‌بوده‌است... آیا‌این‌همانگی‌فقط‌مختص‌مجموعه‌های‌درون‌وزارت‌خارجه‌بوده‌یا‌نهادهای‌خارج‌از‌این‌مجموعه‌را‌نیز‌برای‌رسیدن‌به‌اهداف‌اقتصادی‌توجه‌می‌کند؟**

ما‌دو‌نوع‌همانگی‌داریم؛‌یکی‌اینکه‌قائم‌مقام،‌میان‌ستاد‌اقتصادی‌وزارت‌خارجه‌با‌سایر‌معاونت‌های‌این‌وزارتخانه‌همانگی‌ایجاد‌می‌کند‌و‌دیگر‌اینکه‌همه‌دستگاه‌های‌خارج‌از‌وزارت‌خارجه‌در‌سطح‌معاون‌وزیر‌در‌جلسه‌ای‌با‌حضور‌قائم‌مقام‌وزیر‌خارجه‌برای‌ایجاد‌همانگی‌شرکت‌می‌کنند. یکی‌از‌کارهای‌انجام‌شده‌در‌این‌جلسات‌تصمیم‌گیری‌راجع‌به‌کمیسون‌های‌مشترک‌بوده‌است. الان‌تعداد‌زیادی‌کمیسون‌مشترک‌داریم‌که‌در‌دولت‌یازدهم‌قرار‌شد‌هر‌یک‌از‌آنها‌متشابه‌با‌زمینه‌کاری،‌نیازها‌و‌علاقث‌هر‌وزارتخانه‌و‌اگانرا‌قبیل‌گشت‌فراسرزمینی،‌وزارت‌جهاد‌و‌کشاورزی‌بهترین‌متولی‌این‌کار‌است‌یا‌همکاری‌ترازیتی‌به‌حوزه‌وزارت‌راه‌و‌شهرسازی‌مربوطه‌می‌باشد. این‌کمیسون‌های‌مشترک‌باز‌هم‌زیر‌نظر‌ستاد‌همانگی‌روابط‌اقتصادی‌قرار‌دارد‌و‌خود‌این‌ستاد‌هم‌زیر‌نظر‌مستقیم‌معاون‌اول‌رئیس‌جمهوری‌و‌دولت‌نظری‌کند‌و‌موضوع‌های‌گزارش‌ها‌به‌دولت‌داده‌می‌شود‌و‌معاون‌اول‌رئیس‌جمهوری‌که‌فرماندهی‌ستاد‌اقتصاد‌مقاومتی‌را‌به‌عهده‌دارد‌حسب‌ضرورت‌دستورالعمل‌صادری‌کند.

■ **البته‌منظور‌ما‌سؤال‌پایلی‌فقط‌همانگی‌برنامه‌هایی‌بود. برخی‌نهادهای‌شخصیت‌های‌خارج‌از‌مجموعه‌وزارت‌خارجه‌هستند‌که‌بعضا‌درباره‌مسائل‌مربوطه‌به‌این‌حوزه‌اظهار‌نظری‌کنند‌و‌نگاه‌متوجه‌دارند. مواضعی‌که‌بعضا‌مطابق‌با‌قانون‌هم‌نیست‌اما‌تأثیر‌هزینه‌سازی‌خود‌را‌دارد. خب‌ممکن‌است‌برداشت‌این‌گروه‌ها‌نیست‌به‌اولویت‌های‌سیاست‌خارجی‌و‌نگاه‌متوجه‌اقتصادی‌با‌نگاه‌دولت‌و‌وزارت‌خارجه‌متفاوت‌باشد. آیا‌همانگی‌هایی‌که‌باسایر‌نهادهای‌کشور‌برای‌تأمین‌اهداف‌توسعه‌صورت‌می‌گیرد،‌تعیین‌اهداف‌و‌اولویت‌ها‌هم‌شامل‌می‌شود؟**

این‌مساله‌همیشه‌شکایت‌ما‌هم‌بوده‌است. البته‌وجود‌نگاه‌های‌متفاوت‌در‌یک‌جامعه‌چند‌صدایی،‌تا‌حد‌زیادی‌یک‌واقعیت‌غیر‌قابل‌کتمان‌است‌اما‌منی‌شود‌فراموش‌کرد‌که‌تأثیر‌هایی‌هم‌داشته‌است،‌ما‌در‌حد‌توان‌به‌سایر‌دستگاه‌ها‌اعلام‌نظری‌می‌کنیم‌و‌هم‌اگر‌لازم‌باشد‌در‌مواردی‌پیشنهاد‌هایمان‌را‌ارائه‌داده‌و‌حتی‌در‌صورت‌لزوم‌نگرانی‌هایمان‌را‌از

## ایران

اظهار‌نظر‌هایی‌که‌برخی‌دستگاه‌ها‌مطرح‌می‌کنند،‌ابراز‌می‌کنیم‌اما‌به‌هر‌حال‌میزان‌اقتدار‌وزارت‌خارجه‌در‌حوزه‌اقدامات‌و‌اظهارات‌دیگر،‌مقامات‌و‌دستگاه‌ها‌که‌تأثیر‌گذار‌بر‌روابط‌خارجی‌است‌اقتدار‌بسیار‌محدودی‌است‌و‌به‌اندازه‌میزان‌توانمندی‌عمل‌می‌کند‌که‌«لا‌یکلف‌الله‌نفسا‌ِ‌لا‌ؤسغها».

■ **بسیاری‌از‌شاخص‌های‌اقتصاد‌مقاومتی‌در‌صورت‌فقدان‌یک‌دیپلماسی‌فعال‌و‌کارآمد‌عملا‌محقق‌شدنی‌نیست. بواسطه‌همین‌دیپلماسی‌بود‌که‌امکان‌حل‌و‌فصل‌چالش‌هسته‌ای‌که‌کشور‌را‌بیش‌از‌یک‌دهه‌به‌یک‌بحران‌جدی‌فرورده‌بود،‌فرام‌شد. خب‌چگونه‌می‌شود‌که‌در‌صورت‌وجود‌یک‌چالش‌بنیادین‌با‌بازگیران‌بین‌المللی‌که‌قطعا‌ویکر‌دیپلماسی‌فعال‌را‌هم‌تحت‌تأثیر‌قرار‌می‌دهد‌اهداف‌اصلی‌کشور‌از‌محقق‌اهداف‌مهم‌دیپلماسی‌اقتصادی‌را‌محقق‌کرد؟**

دو‌کار‌باید‌انجام‌داد؛‌یک،‌باید‌موانع‌را‌رفع‌کرد،‌دو،‌اهداف‌را‌مشخص‌کرد. رفع‌موانع‌برای‌هر‌نوع‌روابط‌اقتصادی‌ضروری‌است‌یعنی‌اگر‌شما‌اقتصاد‌مبتنی‌بر‌واردات‌هم‌داشته‌باشید‌با‌تحریم‌سازگار‌نیست. همان‌طور‌که‌متأسفانه‌کشور‌ما‌به‌مدت‌هشت‌سال‌این‌وضعیت‌را‌داشت

و‌تقریبا‌همه‌چیز‌مبتنی‌بر‌واردات‌بود. درست‌است‌که‌در‌چنین‌فضایی‌و‌با‌داشتن‌اقتصادی‌مبتنی‌بر‌واردات‌می‌توان‌تحریم‌ها‌را‌دور‌زد‌و‌واردات‌داشت‌اما‌خب‌هزینه‌سنگینی‌را‌هم‌باید‌متقبل‌شد. اما‌بهر‌مندی‌از‌اقتصادی‌سالم‌با‌تحریم‌جور‌در‌نمی‌آید. لذا‌هدف‌اول،‌باید‌رفع‌موانع‌و‌هدف‌دوم‌سیاستگذاری‌صحیح‌باشد. یعنی‌از‌رفع‌موانع‌برای‌پیشرفت‌کشور‌در‌جهت‌اهداف‌اقتصاد‌مقاومتی‌استفاده‌کرد‌و‌تولید‌داخلی‌را‌از‌طریق‌ایجاد‌بازارهای‌خارجی‌تقویت‌و‌تشویق‌کرد. حتی‌سرمایه‌گذاری‌خارجی‌زمانی‌در‌ایران‌صورت‌می‌گیرد‌که‌هدفش‌فقط‌کسب‌بازار‌داخلی‌نباشد‌بلکه‌تولید‌در‌ایران‌برای‌بازارهای‌منطقه‌و‌جهانی‌باشد.

اینها‌مجموعه‌اهدافی‌است‌که‌برای‌رسیدن‌به‌آنها‌باید‌با‌رفع‌کردن‌موانع‌به‌سمت‌روابط‌جدی‌خارجی‌رفت‌که‌کمک‌ندک‌سیاست‌اقتصاد‌مقاومتی‌باشد.

ضمن‌اینکه‌اجرای‌این‌رویکرد‌نیازمند‌یک‌سیاستگذاری‌ودقت‌وسواس‌گونه‌است‌که‌معتقدم‌دولت‌یازدهم‌اکنون‌این‌وسواس‌را‌به‌صورت‌جدی‌دارد. یعنی‌بعد‌از‌اجرایی‌شدن‌برجام‌در‌پایان‌دی‌ماه‌۹۴،‌بانک‌مرکزی،‌وزارت‌اقتصاد‌و‌دارایی‌و‌سازمان‌سرمایه‌گذاری‌دقت‌ویژه‌ای‌می‌کنند‌تا‌برای

از‌کشورهای‌پیشرفته‌امکان‌ورود‌به‌مذاکره‌رسمی‌برای‌سرمایه‌گذاری‌و‌حضور‌در‌بازارهای‌ایران‌تا‌روز‌۲۷‌دی‌ماه‌وجود‌نداشت‌و‌در‌این‌روز،‌تازه‌این‌مسیر‌باز‌شد. ما‌در‌برخی‌حوزه‌ها‌مانند‌کشترانی‌و‌بیمه‌خیلی‌سریع‌پیشرفت‌کردیم. در‌صنعت‌نفت‌هم‌مدیران‌و‌کارمندان‌کمر‌همت‌بستند‌و‌تولید‌و‌فروش‌را‌د‌فاصله‌چند‌ماه‌به‌همان‌میزان‌قبل‌از‌تحریم‌ها‌رساندند‌و‌این‌در‌حالی‌بود‌که‌همه‌فکر‌می‌کردند‌این‌مسأله‌باعث‌سقوط‌قیمت‌نفت‌می‌شود‌اما‌ایران‌موفق‌شد‌در‌بازار‌بسیار‌نامناسب‌نفت،‌فروش‌خود‌را‌بدون‌اینکه‌قیمت‌ها‌پایین‌بیاید،‌افزایش‌دهد. این‌یک‌واقعیت‌بود‌که‌به‌دنبال‌برداشته‌شدن‌تحریم‌ها‌و‌اجرایی‌شدن‌برجام‌اتفاق‌افتاد‌اما‌سرمایه‌گذاری‌و‌حتی‌قرارداد‌خارجی‌و‌قراردادهای‌مبتنی‌بر‌فاینانس‌در‌شرایط‌عادی‌هم‌زمانبر‌است‌مخصوصا‌با‌توجه‌به‌حساسیت‌هایی‌که‌در‌زمینه‌هایی‌که‌قبلا‌به‌آن‌اشاره‌کردم‌وجود‌دارد‌از‌جمله‌اینکه‌تعهداتی‌خارج‌از‌چارچوب‌سیاست‌های‌اقتصاد‌مقاومتی‌دولت‌بر‌آیندگان‌تحمیل‌نشود‌و‌دیگر‌آنکه‌از‌فناوری‌داخلی‌استفاده‌شود. به‌عنوان‌مثال‌ما‌در‌بسیاری‌از‌قرار‌دادها‌ماه‌ها‌سر‌موضوعاتی‌مانند‌اینکه‌چند‌درصد‌آن‌قرارداد‌توسط‌کارگر

چند‌صدایی‌است‌و‌دوستان‌نگرش‌های‌متخلفی‌دارند. این‌نگرش‌ها‌بعضا‌در‌زمان‌های‌مختلف‌با‌گفتنمان‌متناقضی‌مطرح‌شده‌است. اگر‌شما‌اظهارات‌برخی‌از‌منتقدان‌را‌قبل‌از‌به‌نتیجه‌رسیدن‌برجام‌و‌بعد‌از‌آن‌مقایسه‌کنید‌متوجه‌می‌شوید‌که‌برخی،‌دستیابی‌به‌نتایجی‌که‌بعدها‌به‌آن‌رسیدیم‌را‌غیرممکن‌می‌دانستند. حتی‌قبل‌از‌رسیدن‌به‌توافق‌ژئوتی،‌یکی‌از‌منتقدین‌می‌گفت‌که‌امکان‌رسیدن‌به‌تعهدی‌که‌غنی‌سازی‌در‌خاک‌ایران‌را‌پذیرد‌وجود‌ندارد. اما‌همه‌خواسته‌های‌ما‌در‌حوزه‌فناوری‌هسته‌ای‌محقق‌شد. بعد‌از‌آن‌درباره‌مسائل‌اقتصادی‌فضاسازی‌صورت‌گرفت‌و‌در‌حالی‌که‌در‌دوره‌تحریم‌ها‌می‌گفتند‌تحریم‌ها‌هیچ‌تأثیری‌ندارد‌یا‌حتی‌برای‌کشور‌مفید‌است،‌بعد‌از‌توافق،‌معنی‌بودند‌که‌چرا‌معجزه‌نشده‌و‌تمامی‌آثار‌تحریم‌هایی‌که‌طی‌۸‌سال‌و‌بندریج‌بر‌کشور‌تحمیل‌شده‌و‌در‌دنیا‌جا‌افتاده،‌یک‌شبه‌مرتفع‌نشده‌است. البته‌این‌فضا‌قابل‌پیش‌بینی‌بود‌اما‌درمان‌شدنی‌نبود‌یعنی‌ما‌وظیفه‌داشتیم‌که‌کار‌را‌انجام‌دهیم‌همه‌ما‌این‌قد‌رستیم‌روند‌چگونه‌خواهد‌بود‌حالا‌برخی‌قدری‌ششبین‌تر‌بودند‌و‌بعضی‌ها‌هم‌می‌دانستند‌که‌ممکن‌است‌مشکلاتی‌پیش‌پای‌برجام‌گذاشته‌شود.

البته‌این‌را‌هم‌بگویم‌ما‌هیچ‌وقت‌به‌امریکا‌خوشبین‌نبودیم‌که‌اگر‌بودیم‌این‌اندازه‌در‌توافق‌ها‌وارد‌جزئیات‌نمی‌شدیم. لذا‌از‌ابتدا‌مینا‌را‌بر‌بدبینی‌اند‌گذاشتیم‌و‌بعدها‌تأثبات‌شد‌که‌محق‌بودیم‌این‌بدبینی‌را‌داشته‌باشیم‌در‌رهبر‌معظم‌انقلاب‌که‌از‌ابتدا‌نسبت‌به‌امریکا‌بدبین‌بودند‌تا‌ما‌که‌در‌صحنه‌مذاکرات‌حضور‌داشتیم. همه‌نسبت‌به‌امریکا‌بدبین‌بودیم. حالا‌ممکن‌بود‌در‌موضع‌گیری‌اظهارات‌بدبینانه‌نداشتیم‌اما‌در‌صحنه‌مذاکرات‌این‌چنین‌نبود‌و‌ما‌خوشبین‌نبودیم‌که‌آنها‌با‌میل‌و‌رغبت‌به‌تعهداتن‌ان‌عمل‌کنند.

■ **از‌آنجایی‌که‌بخشی‌از‌منتقدان‌پیش‌از‌این‌در‌حوزه‌اجرایی‌نقش‌داشته‌اند‌بنابراین‌به‌طور‌طبیعی‌می‌داند‌که‌نهایی‌شدن‌یک‌قرارداد‌از‌حله‌گفت‌و‌گو‌تجاری‌اگر‌پرسه‌زمنابر‌است... آیا‌خودتان‌این‌طور‌تصور‌می‌کنید‌که‌بخشی‌از‌دامن‌زدن‌به‌انتظارات‌با‌برنامه‌ریزی‌و‌اهداف‌خاص‌است؟**

یکی‌از‌دلائل‌فشار‌هایی‌که‌بععداز‌«برجام»‌به‌دولت‌وارد‌می‌شود،‌برگزاری‌انتخابات‌مجلس‌بلافاصله‌بعد‌از‌«برجام»‌و‌همچنین‌ورود‌زودهنگام‌محافل‌سیاسی‌به‌فاز‌انتخابات‌ریاست‌جمهوری‌است‌ولی‌چون‌علاقه‌و‌تخصصی‌به‌مسائل‌داخلی‌ندارم‌از‌اظهار‌نظر‌در‌این‌باره‌خودداری‌می‌کنم. یک‌واقعیتی‌که‌ما‌در‌گزارش‌ای‌خبرمان‌به‌مجلس‌هم‌به‌آن‌اشاره‌کردیم‌این‌بود‌که‌منافع‌ده‌بسیاری‌با‌برجام‌متضرر‌شد. اگر‌به‌جامعه‌خوب‌نگاه‌کنید‌متوجه‌می‌شوید‌که‌تحریم‌ها‌منافع‌زیادی‌برای‌برخی‌از‌گروه‌ها‌دارد. من‌نمی‌خواهم‌از‌کلمه‌کاسب‌تحریم‌استفاده‌کنم‌چون‌دارم‌بسیاری‌از‌منتقدین‌برجام‌بر‌حسب‌نگرششان‌و‌به‌خاطر‌نگرانی‌برای‌منافع‌ملی‌مخالف‌ان‌ا‌بودند‌اما‌گروهی‌هم‌منافعی‌داشتند‌که‌با‌از‌دست‌دادن‌آن‌منافع‌چه‌در‌پشت‌صحنه‌و‌چه‌جلوی‌پشت‌دروازه‌های‌ایران‌منتظر‌ایستاده‌باشند‌و‌هیچ‌ماده‌تحریمی‌هم‌وجود‌نداشته‌باشد‌این‌قرار‌دادها‌فوری‌بعد‌از‌اجرای‌«برجام»‌امضا‌و‌اجرایی‌شود. قرار‌نیست‌یک‌آپارتمان‌اجاره‌شود‌که‌وقتی‌فرقی‌ن‌به‌توافق‌بر‌سر‌قیمت‌رسیدند‌فورا‌زیر‌قیمر‌را‌امضا‌کنند. قرارداد‌خرید‌ایرباس‌۵۰۰‌صحنه‌است‌زیرا‌هوایمیاپی‌ما‌می‌خواهد‌مطمئن‌شود‌که‌تعمیرات‌را‌خودش‌انجام‌دهد،‌فناوری‌به‌ایران‌منتقل‌می‌شود‌برای‌کسب‌این‌اطمینان‌نیاز‌به‌مذاکره‌دارد‌که‌زمانبر‌است. مدت‌شش‌ماه‌است‌که‌درباره‌این‌قرارداد‌مذاکره‌می‌کنیم‌اما‌هنوز‌به‌پایانش‌نرسیده‌ایم‌و‌این‌زمانبر‌بودن‌هم‌به‌دلیل‌وسواس‌توسعه‌یافته‌حاضر‌نشده‌برای‌خوشحال‌کردن‌فوری‌شما‌اطمینان‌می‌دهم‌نظام‌و‌در‌راس‌آن‌رهبر‌معظم‌انقلاب‌با‌چشم‌باز‌این‌کار‌را‌اتجام‌می‌دهد‌و‌در‌بخش‌اجرایی،‌ایجاد‌کنیم.

■ **با‌وجود‌این‌نگاه،‌الان‌وزارت‌خارجه‌و‌دولت‌تحت‌فشار‌زیادی‌قرار‌گرفته‌است‌که‌چرا‌«برجام»‌به‌دستاوردهایی‌که‌قرار‌بود‌از‌مشکلات‌اقتصادی‌کشور‌گره‌گشایی‌کند،‌دست‌نیافته‌است. آیا‌شما‌پیش‌از‌دستیابی‌به‌توافق‌این‌حجم‌انتظار‌را‌از‌سوی‌محافل‌سیاسی‌برای‌رسیدن‌به‌بهره‌برداری‌زودهنگام‌از‌برجام‌پیش‌بینی‌کرده‌بودید؟**

جامعه‌ای‌داریم‌که‌بسیار‌سیاسی‌و‌اجدادکنیم.

ادامه‌در‌صفحه۲۱

■ **در‌مرحله‌ای‌از‌اجرای‌برجام‌قرار‌داریم‌که‌چند‌ماه‌دیگر‌تکلیف‌رئیس‌جمهوری‌بعدی‌امریکا‌مشخص‌می‌شود. هر‌دو‌کاندید‌ادر‌مقایسه‌با‌اوباما‌سیاست‌های‌تندتری‌نسبت‌به‌ایران‌دارند. پیش‌بینی‌شما‌از‌روند‌اجرای‌برجام‌در‌صورت‌روی‌کار‌آمدن‌هریک‌از‌این‌دونامزد‌دموکرات‌و‌جمهوریخواه‌چيست؟ فکر‌می‌کنید‌که‌اروپا‌در‌صورت‌بروز‌اختلافات‌جدی‌میان‌تهران‌و‌واشنگتن‌در‌کنار‌ما‌خواهد‌ایستاد؟**

نکته‌ای‌را‌می‌خواهم‌بگویم‌که‌مبنای‌تفکر‌ما‌در‌راه‌رسیدن‌به‌برجام‌بوده‌است. آنچه‌به‌دست‌آوردیم‌به‌وسیله‌امریکا‌یا‌به‌خاطر‌لطف‌امریکا‌به‌دست‌نیاوردیم،‌بلکه‌علی‌رغم‌خواسته‌امریکا‌به‌دست‌آوردیم. یعنی‌نباید‌فکر‌کنیم‌که‌دستمان‌جلوی‌این‌کشور‌دراز‌بوده‌است. ما‌علی‌رغم‌اینکه‌امریکا‌نمی‌خواست‌یک‌سانتریفیور،‌راکتور‌آب‌سنگین‌و‌پالایشگاه‌آب‌سنگین‌داشته‌باشیم‌و‌فرد‌با‌باشد‌به‌این‌خواسته‌ها‌رسیدیم. اگر‌با‌این‌نگاه‌که‌دائکون‌حاکم‌بر‌مذاکرات‌ما‌بوده‌است،‌ادامه‌دهیم،‌آنگاه‌انتخابات‌امریکا‌چندان‌مهم‌نیست. مهم‌این‌است‌که‌ما‌امریکا‌را‌قدرت‌قدرت‌جهان‌ندانیم‌و‌بدانیم‌که‌می‌توانیم‌خودمان‌تصمیم‌گیر‌و‌تأثیر‌گذار‌باشیم. خاتم‌کلینتون‌یا‌آقای‌ترامپ‌با‌هر‌کس‌دیگر‌که‌در‌کاخ‌سفید‌بنشیند‌مجبور‌است‌با‌یک‌جمهوری‌اسلامی‌برخورد‌کند‌که‌به‌خودش‌مطمئن‌است‌و‌به‌توانمندی‌خودش‌و‌حمایت‌و‌مقاومت‌مردمش‌با‌او‌واقعی‌دارد. ما‌توانستیم‌با‌برجام‌بهبانه‌را‌از‌دست‌امریکا‌بگیریم. اوباما‌و‌کری‌لطفی‌به‌ما‌ن‌کردند‌که‌با‌رفتن‌آنها‌ما‌چشم‌و‌امیدمان‌به‌کلینتون‌و‌ترامپ‌باشد‌که‌آنها‌به‌ما‌لطف‌کنند. چون‌به‌خود‌منکی‌بودیم‌توانستیم‌با‌امریکا‌به‌نتیجه‌ای‌برسیم‌که‌منافع‌خودمان‌در‌آن‌حفظ‌شود. لذا‌صرفنظر‌از‌اینکه‌چه‌کسی‌در‌کاخ‌سفید‌نشسته،‌این‌ما،‌یعنی‌جمهوری‌اسلامی‌هستیم‌که‌با‌حمایت‌مردم‌می‌توانیم‌کارمان‌را‌پیش‌ببریم.

### برش

### «

یکی‌از‌دلائل‌فشار‌هایی‌

که‌بعد‌از‌برجام‌به‌

دولت‌وارد‌می‌شود،‌

بر‌گزارای‌انتخابات‌

مجلس‌بلافاصله‌بعد‌

از‌برجام‌و‌همچنین‌

ورود‌زودهنگام‌محافل‌

سیاسی‌به‌فاز‌انتخابات‌

ریاست‌جمهوری‌است.

منافع‌عده‌بسیاری‌با‌

برجام‌متضرر‌شد. اگر‌

به‌جامعه‌خوب‌نگاه‌

کنید‌متوجه‌می‌شوید‌

که‌تحریم‌ها‌منافع‌

زیادی‌برای‌برخی‌از‌

گروه‌ها‌دارد‌

■ **این‌اعتمادسازی‌که‌شما‌اشاره‌داشتید‌فضای‌مطمئنی‌را‌برای‌تشویق‌سرمایه‌گذاران‌خارجی‌برای‌ورود‌به‌بازارهای‌ایران‌به‌دست‌آورده‌است‌در‌حالی‌که‌برخی‌مدعی‌اند‌ملاقات‌هایی‌که‌طی‌سه‌سال‌گذشته‌با‌مسئولان‌دیپلماتیک‌کشورهای‌مختلف‌صورت‌گرفته‌است‌به‌دستاورده‌مشخص‌از‌منظر‌اقتصادی‌برای‌ایران‌نینجامیده‌است.**

اولا‌تمام‌رفت‌و‌آمدهای‌دیپلماتیک‌مبتنی‌بر‌ایجاد‌و‌تقویت‌ایمده‌بوده‌و‌برای‌رسیدن‌به‌اهداف‌توسعه‌کردن‌صورت‌گرفته‌است. توجه‌ما‌بیش‌از‌سرمایه‌گذار‌خارجی‌باید‌به‌سرمایه‌گذار‌داخلی‌باشد‌تا‌بتوانند‌سرمایه‌اش‌را‌به‌مصرف‌تولید‌و‌استغلال‌برسانند‌در‌عین‌حال‌فضای‌اطمینان‌و‌امید‌شکل‌گیرد‌تا‌سرمایه‌گذار‌خارجی‌وارد‌کشور‌شود. ایجاد‌این‌فضا‌به‌روز‌اجرایی‌شدن‌«برجام»‌موکول‌نشد‌بلکه‌سیاست‌های‌دولت‌یازدهم‌فضایی‌را‌ایجاد‌کرد‌تا‌اشتیاق‌سرمایه‌گذاران‌خارجی‌است. ما‌در‌حد‌توان‌به‌سایر‌